

چکیده

تونس علیرغم سابقه تاریخی در هویت اسلامی، به واسطه نزدیکی به اروپا و به طور خاص فرانسه، تجلی‌گاه ایدئولوژی‌ها و تفکرات غربی است. مردمان این کشور با وجود اینکه اسلام را به عنوان یک منبع هویتی حفظ و نگهداری کرده‌اند، به شدت متأثر از اندیشه غربی نیز بوده‌اند. این مسئله به خصوص در میان نخبگان و تصمیم‌سازان این کشور - که سال‌ها تحت استعمار فرانسه بودند - نمود بارزتری دارد. رشد تفکر علمانی نیز در این کشور از وجوه این مسئله است. اگر حزب استحالیافته النهضه را که به طور سنتی جریان اسلام‌گرا شناخته می‌شد، جریانی پایبند به علمانیت ندانیم. جبهه علمانی‌ها در تونس به چهار جریان تقسیم می‌شود. یک: جریان راست که شامل طیف‌های لیبرال و فرانکفون می‌شوند. دوم: جریان چپ که از مائونیستی تا چپ موسکویی و چپ‌چینی را در بر می‌گیرد. سوم: ملی‌گرایی که شامل ملی‌گرایی وطنی و محلی می‌شود و چهارم: عربیت که دارای دو زیر شاخه ناصریستی و بعثی است. این چهار جریان اکثر مناصب سیاسی این کشور را در دست دارند و در تصمیم‌سازی‌های این کشور نقش آفرینی می‌کنند. در این مقاله ضمن بررسی نقش و وزن هر یک از این جریانها، نسبت و نزدیکی آنها به اندیشه مقاومت را واکاوی می‌کنیم.

واژگان کلیدی

علمانیت، لیبرالیسم، تونس، اسلام، مقاومت.

مقدمه

علمانیت به مثابه یک تفکر در جهان اسلام، امری نوظهور و متناقض‌نماست. ریشه این تفکر در غرب و جهان مسیحیت گذاشته شد. اما برخورد جهان اسلام با تمدن از آن خودکننده‌ی غرب در قرن نوزده و بیست، بسیاری از افکار و اندیشه‌ها را با وجود اینکه نسبتی با تفکر و زمینه جامعه اسلامی نداشتند، ظهور و بروز یافتند. تفکراتی چون ناسیونالیسم، لیبرالیسم، مارکسیسم، سوسیالیسم و... در دو قرن اخیر این تفکرات، چالش‌هایی را برای جوامع اسلامی ایجاد کرده‌اند و متفکران این جوامع در صدد معنا کردن این مفاهیم در جهان اسلام برآمدند. تفکر علمانیت که منشأ یافته از تفکر سکولار در غرب است در دو معنای علم‌گرایی و عالم‌گرایی به کار می‌رود و منظور رد هرگونه تفکر و حیانی و الهی در برخورد با پدیده‌هاست. در این تفکر، نگاهی این جهانی و عقلانی به پدیده‌ها و زندگی صورت می‌گیرد. در میان کشورهای جهان اسلام، کشورهای شمال آفریقا و ترکیه به واسطه نزدیکی به اروپا بیشتر تحت تاثیر این تفکرات قرار گرفتند. کشور تونس از همان ابتدای مبارزات استقلال طلبی همواره متأثر از مفاهیم مدرن غربی بود. حبیب بورقیه رهبر استقلال تونس که خود تحصیل کرده فرانسه بود از همان ابتدا بر مبنای علمانیت پایه‌های نظام سیاسی این کشور را گذاشت. در این کشور تفکرات علمانی با گرایش‌های مختلف همواره در راس قدرت بودند به گونه‌ای که تنها جریان اسلام‌گرا در این کشور یعنی حزب النهضة پس از به قدرت رسیدن بعد از تحولات سال ۲۰۱۱ م رسماً علمانیت و جدایی دین و سیاست را پذیرفته و به نوعی به رشد این تفکر در تونس کمک کرد. سؤال اصلی این پژوهش این است که تفکر علمانیت در تونس از چه ظرفیت‌هایی برای جبهه مقاومت برخوردار است؟ برای پاسخ به این سؤال ابتدا به تشریح تفکر علمانی در تونس و انواع شاخه‌های آن می‌پردازیم. سپس جایگاه این تفکر در هندسه قدرت در تونس در دوره پساانقلاب را بررسی و در نهایت نحوه مواجهه آنها با تفکر مقاومت را تحلیل می‌کنیم.

۱. تاریخچه علمانیت در تونس؛ شاخه‌ها، انواع

۱-۱. از ابتدای مبارزه تا اعلام جمهوری مستقل تونس

تونس به عنوان کشوری اسلامی - که از سال ۱۵۳۴ م تحت سیطره امپراطوری عثمانی بود - همواره تمام سنت‌های اسلامی در این کشور به اجرا در می‌آمد. اما به تدریج از نیمه دوم قرن ۱۹ با ورود استعمار فرانسه به این کشور و همزمان سفر تعدادی از تونسی‌ها به فرانسه زمینه‌های رشد تفکر علمانیت در این کشور فراهم شد. خیرالدین تونسی (۱۸۹۹ - ۱۸۱۰) از نخستین متفکران تونسی است که در کنار طهطاوی در مصر با رویکرد اصلاح طلبانه در صدد تجدید در جهان اسلام است. خیرالدین از زمان نگارش کتاب «اقوم المسالک فی تقویم الممالک» در ۱۸۶۷ به موضوع اصلاحات سیاسی در جهان عرب توجه کرد و در این کتاب تلاش کرده بود تا به زعم خود

درست‌ترین راه اصلاح حکومت‌ها را معرفی کند. (ولایتی، ۱۳۸۹: ۲۹). تونس که در سال ۱۸۸۱م، توسط دولت فرانسه به بهانه ورود تونس به الجزایر (مستعمره قبلی فرانسه)، با یک ارتش حدود ۳۶،۰۰۰ نفری تسخیر شد. عملاً توسط یک فرمانده فرانسوی اداره و با سیستم فرانسوی اداره شد. (Stearns, 2001: pp. 129–131) از آن زمان تا سال ۱۹۵۶ که تونس موفق به کسب استقلال شد تفکر علمانی چنان رشد کرد که کشور تونس پس از استقلال از لحاظ تفکر کراتی تغییری در سیستم مدیریتی آن ایجاد نشد. اگر علمانیت را طبق تعریف پیتر برگر به «فرایندی که به واسطه آن بخش‌های تابع جامعه و فرهنگ از سلطه نهادها و نمادهای دینی خارج می‌شوند» (برگر، ۱۹۷۱: ص ۱۷۴) بدانیم، ساختار سیاسی تونس از ابتدا بر همین منوال سپری شد و نمادها و نهادهای دینی تأثیری بر مناسبات اجتماعی نداشتند. هرچند در حوزه مدنی در تونس نقش دین پررنگ بود. نخستین گروهی که با رویکردی علمانی در تونس در صدد رسیدن به قدرت بودند، گروهی موسوم به تونس‌های جوان بودند که در دهه ۱۸۸۰م جنبشی به نام «الخالدونیه»^۱ به راه‌انداختن و خواستار حفاظت از میراث عربی تونس شدند. در اواخر دهه ۱۸۸۰، آنها شروع به چاپ «الحادیرا» کردند، روزنامه‌ای که بر نیاز به تغییر اجتماعی تأکید داشت. در سال ۱۸۹۶، جنبش خالدونیه، یک گروه آموزشی را ایجاد کرد که به دانشجویان موسسات سنتی اسلامی آموزش زبان عربی ارائه می‌داد. (worldhistory, 2019:p5) البته این جنبش ضمن حمایت از فرهنگ تونس‌ها به ویژگی‌های فرهنگی فرانسه هم توجه داشت و این موجب انتقاد شدید از سوی محافظه‌کاران تونس‌ها شد. فعالیت رسمی این جنبش پس از اعتراضات گسترده نسبت به اخراج ایتالیایی‌ها و برابری دستمزد کارگران فرانسوی و تونس‌ها ممنوع شد. اما پس از جنگ جهانی اول و تمایل دولت فرانسه برای اعطای خودگردانی به تونس یک گروهی از تونس‌ها که عموماً از تونس‌های جوان به رهبری عبد العزیز الثعالبی بودند در کنفرانس صلح و رسای ۱۹۱۹ شرکت کردند و سال بعد حزبی به نام حزب دستور (قانون)^۲ تاسیس کردند. برنامه این حزب، با رویکردی علمانی، تشکیل یک هیئت انتخاب شده برای قانون‌گذاری واقعی؛ تشکیل یک دولت مسئول؛ شوراها و شهرداری منتخب؛ حقوق برابر برای کار برابر؛ آزادی مطبوعات؛ برابری زن و مرد، فرصت‌های آموزشی برای همه تونس‌ها بود. اما فرانسوی‌ها به جای آن یک شورای مشورتی متشکل از فرانسوی‌ها و تونس‌ها تشکیل داد و عملاً قدرت فرانسوی‌ها بیشتر بود. رهبران حزب دستور این شورا را رد کردند و با واکنش تند فرانسوی‌ها مواجه شدند به طوری که ثعالبی مجبور به ترک کشور شد و عملاً فعالیت‌های این حزب کم رنگ شد. (globalsecurity, 2018:p1) اما در اوایل

۱. برگرفته از نام ابن خلدون فیلسوف و جامعه‌شناس مشهور تونس‌ی در هشتم هجری.

2. Destour (Constitution) Party

دهه ۱۹۳۰ گروهی از جوانان میهن پرست دوباره فعالیتهای استقلال طلبانه‌ای شروع کردند. رهبر این جریان حبیب بورقیبه بود که خود تحصیل کرده فرانسه بود و زبان فرانسوی را بهتر از عربی سخن می‌گفت این گروه که نسبت به اسلاف خود غرب‌گراتر و نسبت به فرهنگ و سنتهای تونس کمی تعصب‌تر بودند در سال ۱۹۳۴ حزب نئودستور را در قالب روزنامه‌ای به نام «صدای تونس» تاسیس و به مبارزه فعالانه با استعمار فرانسه پرداختند. این گروه در ابتدا از پیشنهاد تشکیل مجلس قانون‌گذاری متشکل از اعضای تونس و فرانسوی حمایت کردند. آنها در ابتدا فعالیت‌های اجتماعی برای جلب مردم به خود را آغاز کردند. از جمله حمایت از صنایع دستی، مغازه‌داران و دهقانان که در وضعیت نامناسبی بودند، کادرهای حزب نئودستور به شدت منضبط و سازمان‌یافته در سراسر کشور بودند. روابط کاری آنها با دانشجویان، کارگران و سازمان‌های کشاورزی، مقامات فرانسوی را در اثربخشی حزب ملی نوین وحشت زده کرد و رهبران آن، از جمله بورقیبه را دستگیر و زندانی کردند. (Rivlin, 1952: p167) اما اعضای حزب همچنان به کار زیرزمینی و استخدام اعضای جدید ادامه دادند. تا اینکه در سال ۱۹۵۶م میلادی دولت فرانسه پذیرفت تا پادشاهی مشروطه‌ای با پادشاهی محمد هشتم الامین بای در تونس مستقل شود. اما محمد بای که مورد حمایت فرانسوی‌ها بود در میان مردم محبوبیتی نداشت. بورقیبه که نفوذ زیادی بر افراد سرشناس تونس داشت در مجلس مؤسسان که برای تعیین قانون اساسی و شکل حکومت ایجاد شده بود. از اعضا خواست به جای رای به شخص برای رهبری مجلس به حزب رای دهند و بدین ترتیب حزب نئودستور توانست رای بالا را به دست آورد و سیستم حکومتی را از پادشاهی به جمهوری تغییر دهد و رئیس‌جمهور در سال ۱۹۵۷م نیز حبیب بورقیبه شد. (Kenneth, 2004: pp131-133) بدین ترتیب ملی‌گرایی که به فرهنگ فرانسوی و سیستم «علمانی» اعتقاد داشت زمینه استقلال در تونس را فراهم و قدرت را پس از استقلال به دست گرفت.

۲-۱ علمانیت در دوران جمهوری

ثمره شیرین مبارزات ضد استعماری تحقق استقلال بود؛ اما رهبری مبارزات ملی و ضد استعماری را گروهی برعهده داشتند که دست‌پرورده‌اندیشه‌های غربی به‌ویژه فرانسه بودند. گرچه دولت فرانسه استقلال تونس را پذیرفت؛ اما به حضور غیر مستقیم خویش، همچنان تداوم بخشید. حبیب بورقیبه که تحصیلات عالی‌اش را در فرانسه گذرانده بود و به قشر روشنفکر تونس تعلق داشت، رهبری مبارزات ملی را برعهده داشت. وی با پیروزی حزب نئودستور در انتخابات ملی مؤسسان (۲۵ مارس ۱۹۵۶) به ریاست کابینه (نخست‌وزیری) نظام پادشاهی برگزیده شد. مهم‌ترین وظیفه‌ای که مجلس مؤسسان ملی برعهده داشت، تدوین و تنظیم قانون اساسی کشور بود تا بر

مبنای آن ارکان حکومت و مؤسسات تابعه تعیین و رسمیت پیدا کنند.

با پیروزی مطلق حزب نئودستور (۹۸٪/۹) در انتخابات مجلس مؤسسان ملی عملاً حکومت در دست این حزب قرار گرفت. به تبع این پیروزی رهبر حزب به ریاست دولت برگزیده شد. حبیب بورقیبه ابتدا دست به تحولات وسیعی در سیستم اداری زد و سازمان‌های قدیمی را به‌نحوی دستخوش تغییر نمود. وی تقریباً دو سوم از کارمندان دولت را که از پروردگان استعمار و نظام پادشاهی بودند، برکنار کرد. کشور را به ۱۴ استان تقسیم نمود، و برای هر کدام استانداری که زیر نظر مستقیم دولت مرکزی بود، انتخاب کرد. ارتش میهنی تونس را پایه‌گذاری کرد و همچنین انتخابات انجمن‌های شهر را در مه ۱۹۵۷ برگزار کرد. بورقیبه که برخی‌ها از او به آتاتورک تونس یاد می‌کنند، در ۳۱ سال حکومتش سعی کرد تمام مظاهر اسلامگرایی را از تونس بزدايد و یک نظام حقوقی برابر برای زنان به طوری که نمونه آن در جهان عرب بی‌سابقه بود ایجاد کند که زنان بدون هیچ شرطی در بسیاری از مشاغل حضور داشتند و به نوعی یک فرهنگ سیاسی سکولار و پوپولیستی که متأثر از عقل‌گرایی فرانسوی او بود ایجاد کند. او در دوران حکومتش احزاب و تفکرات اسلام‌گراها مانند راشد الغنوشی و حزب النهضه را به شدت سرکوب کرد. سرمایه بزرگ بورقیبه داشتن یک تشکیلات بزرگ ناسیونالیستی به نام حزب الدستور بود و همه اقدامات را به نام ملت انجام می‌داد. (Brace, 1964: p141) همچنین از لحاظ مشی اقتصادی مانند اکثر دولت‌های قدرتمند به صورت سوسیالیستی عمل کرده و حتی «حزب دستور» را به «حزب سوسیالیستی دستور» تغییر نام داد و بسیاری از کارخانجات و صنایع را تحت بخش دولتی اداره می‌کرد. (Moncef, 2001: p202) بورقیبه برای حفظ محبوبیت خود سیاست دوگانه‌ای در پیش گرفت. هم به اسلام زدایی و غریب‌گرایی می‌پرداخت و هم حامی مردم فلسطین بود. به طوری که پس از صلح مصر با اسرائیل از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۱ تونس مرکز اتحادیه عرب بود و حتی یکی از مراکز اصلی سازمان آزادی بخش فلسطین در تونس دایر شده بود که در سال ۱۹۸۵ نیروهای اسرائیلی طی عملیاتی به نام «پای چوبین» مرکز سازمان آزادی بخش فلسطین در تونس را نابود که طی آن بیش از ۶۰ عضو سازمان آزادی بخش فلسطین کشته شدند. (nytimes, 2015) اما با این وجود دولت بورقیبه به نیروهای اسلام‌گرا فضای فعالیت نمی‌داد و حمایتش از فلسطین بر مبنای روحیه عرب‌گرایی بود تا اسلام‌گرایی. در ابتدای دهه ۱۹۸۰م وضعیت اقتصادی مردم وخیم شد به طوری که قیمت نان افزایش یافت و جنبش اجتماعی برای بحران نان شکل گرفت. گروه‌های اسلام‌گرا محور این جنبش‌ها بودند. اما این گروه‌ها توسط نیروهای امنیتی به رهبری زین العابدین بن علی سرکوب شدند و سپس بن علی نخست وزیر تونس شد. (<http://articles.latimes.com>) بن علی از فضای ملتهب و ناراضی‌های عمومی و وضعیت معیشتی بد بهره برد و در ۷ نوامبر ۱۹۸۷ طی یک کودتا و ایجاد یک

پرونده پزشکی که حبیب بورقیه از لحاظ پزشکی ناتوان است و قادر به انجام وظایف ریاست جمهوری نیست، رسماً رئیس‌جمهور تونس شد. بعدها از این تغییر قدرت به کودتای پزشکی و انقلاب یاس نام برده شد. (<http://articles.latimes.com>) بن علی در ابتدا اقداماتی را برای آزادی بیشتر انجام داد. او ابتدا کیش شخصیت ریاست جمهوری را برچید. همچنین به اصلاح قانون اساسی برای محدود کردن ریاست جمهوری به مجموع سه دوره پنج ساله، پرداخت. چندین فعال سیاسی اسلامی را از زندان آزاد کرد. او همچنین نام حزب حاکم را به حزب دستور دموکراتیک تغییر داد. اما این روش را به سرعت تغییر داد و تبدیل به سرکوبگرترین حکومت عربی شد. (Khaddar, 2001: p202) نوع علمانیت بن علی بر مبنای راست لیبرال بود، بر خلاف دوران بورقیه که بر مبنای چپ سوسیال بود. از آن رو که تونس از همان ابتدای مبارزه برای استقلال یک نظام حزبی بوده است و احزاب، بسیاری از مناسبات را تعیین می‌کردند؛ ضروری است ابتدا بحث علمانیت را در چارچوب نظام حزبی پیگیری کنیم و از این مجرا به علمانیت در ساختار کنونی تونس برسیم.

۳-۱. احزاب علمانی در تونس از ابتدا تا ۲۰۱۱م

با توجه به اینکه گرایشات علمانی در تونس به خصوص از دوران استعمار از گرایشات قوی میان ملت تونس است، احزاب علمانی عموماً دست بالا را در قدرت داشته‌اند. چنانکه گفته شد، نخستین نمود این گرایشات جنبش تونس‌های جوان و جنبش الخالدونیه بود که عقبه این جنبش، نخستین حزب ملی‌گرای علمانی تونس را تاسیس کردند. در واقع جنبش تونس‌های جوان به مثابه آغار نخ تسبیحی بود که دنباله آن را تا حال حاضر می‌توان دید. عقبه این جنبش نخستین حزب ملی‌گرای علمانی تونس به نام حزب آزاد دستور را در سال ۱۹۲۰م تاسیس کرد. در پی آن حزب آزاد دستور تاسیس شد و سپس به حزب اشتراکی دستور و بعد حزب دستور دموکراتیک که این احزاب تا سال ۲۰۱۱ در تونس قدرت را در دست داشتند. بعد از برقراری دموکراسی و تکرر احزاب، حزب نداء که حزبی سکولار و از لحاظ مشی فکری همسوی با احزاب حاکم در دوران قبل می‌باشد در تونس قدرت را در دست گرفت. در زیر به طور خلاصه‌اندیشه حاکم بر احزاب حاکم در تونس را از نظر می‌گذرانیم.

حزب آزاد دستور^۱ این حزب به طور رسمی در سال ۱۹۲۰م پس از اتمام جنگ جهانی اول شکل گرفت و اعضای مؤسس آن، ملی‌گرایان علمانی مانند شیخ عبدالعزیز ثعالبی، صالح فرحات، احمد توفیق مدنی و احمد صافی که قبلاً عضو جنبش تونس‌های جوان بودند. واژه «دستور» به معنای قانون اساسی است و اشاره به قانون اساسی تونس در سال ۱۸۶۳ دارد که نخستین قانون

اساسی در جهان عرب بود. این واژه دارای منشأ فارسی است و به احتمال زیاد از طریق حضور ترکان عثمانی وارد زبان عربی تونس شده است. اهدافی که اعضای این حزب داشتند عبارت بود از: ایجاد یک نظام مشروطه؛ جداسازی قوای سه گانه؛ تضمین آزادی و برابری برای تمام مردم تونس؛ آموزش اجباری و... چنین اهدافی نشان از گرایش به علمانیت این گروه بود. حزب احساس قربت زیادی با حزب وفد در مصر می کرد که آن نیز در همین برهه از احزاب ملی گرای علمانی مصر بود و تلاش های بسیار برای استقلال مصر صورت داد. مراودات مختلفی میان اعضای این دو حزب که دارای مرام ملی گرایی بودند صورت می گرفت. (Charles, 1974: p92)

بنیان گذاران این حزب نسبت به وجود مظاهر فرهنگی غیر از فرهنگ تونس کمی تندروتر از حزب نئودستور بودند که بعداً توسط بورقیه تاسیس شد. یکی از نمونه های آن رد پیشنهاد دولت فرانسه مبنی بر تشکیل مجلس قانون گذاری متشکل از شهروندان تونس و فرانسوی بود. این حزب پس از تشکیل حزب نئودستور در سال ۱۹۳۴ عملاً به حاشیه رفت اما تا سال ۱۹۶۴ که رسماً منحل شد، به فعالیتهای محدود خود مانند انتشار هفته نامه استقلال، ادامه داد. (Perkins, 2004: p79)

حزب آزاد نئودستور: این حزب در نتیجه یک انشعاب از حزب دستور در سال ۱۹۳۴ تشکیل شد. اعضای این حزب از جوانان تحصیل کرده حزب دستور بودند که دیدگاه های آزادتر و عملی تری را دنبال می کردند. آنها در کنار ملی گرایی به پذیرش برخی از شاخصه های فرهنگ فرانسه هم رضایت می دادند. افرادی مانند حبیب بورقیه، محمود ماتری و صلاح بن یوسف از اعضای مؤسس این حزب بودند. (Lisa, 1986: p167)

در واقع، این افراد که نسبت به روش بزرگان حزب دستور اعتراض داشتند در ابتدا از طریق روزنامه‌ی به نام «صدای تونس» نشان دادند که به طور مستقیم با مردم سخن می گویند و حرف آنها، صدای مردم تونس است. اگرچه هر دو گروه به دنبال استقلال و خودمختاری تونس بودند اما روش های حزب جدید بیشتر مورد توجه مردم قرار گرفت. البته میان اعضای این حزب هم اختلافاتی وجود داشت. مثلاً صلاح بن یوسف نسبت به ملی گرایی رقیب بورقیه انتقاد داشت و از جمع کردن ایدئولوژی ملی گرایی در کنار لیبرالیسم، سکولاریسم و گرایش به غرب بورقیه ناراضی بود. این اختلافات تا سال ۱۹۵۵ به اوج خود رسید به گونه ای که یوسف مجبور به ترک تونس و اقامت در مصر شد. (Tartter, 1987: p154)

چنانکه گفته شد حزب نئودستور در کنار ایدئولوژی سکولاریسم از لیبرالیسم، دموکراسی اجتماعی و

گرایش به غرب هم حمایت می‌کرد. همچنین این حزب با پان مغربی و پان عربی سرسازگاری نداشت و معتقد به ملیت تونس به عنوان ملتی جدا بود. (Christopher, 2010: pp100-101) به اعتقاد برخی‌ها بخش بزرگی از استقلال تونس ناشی از مذاکرات موفق بورقیبه بود که توانست فرانسوی‌ها را از خاک تونس بیرون کند و نظام سیاسی را از پادشاهی به جمهوری تغییر دهد. (Brace, 1964: p114) اگرچه نمی‌توان این گزاره را حرف دقیقی دانست، چراکه عوامل متعددی در استعمارزدایی از تونس موثر بود.

حزب اشتراکی دستور¹ بعد از وجود مشکلات معیشتی متعدد، بورقیبه حزب آزاد نئودستور را مانند سایر احزاب در سال ۱۹۶۴ منحل کرد و حزب واحدی به نام حزب اشتراکی دستور تاسیس کرد تا تعهد دولتش به مرحله‌ی سوسیالیستی توسعه سیاسی و اقتصادی را آشکار کند. در واقع برخلاف حزب قبلی که از ایدئولوژی لیبرالیستی پیروی می‌کرد و درصدد ایجاد یک جامعه لیبرال بود، مانند اکثر احزاب سلف خود در کشورهای دیگر مانند مصر و سوریه ایدئولوژی سوسیالیسم را پی گرفت و در منش سیاسی و اقتصادی خود درصدد ایجاد کارخانجات و تعاونی‌های اشتراکی برآمد اما با این وجود این روش جدید نتوانست انتظارات مردم را در حوزه معیشتی فراهم کند. لذا بورقیبه در سال ۱۹۶۹م با اخراج احمد بن صلاح به عنوان وزیر اقتصاد که مجری سوسیالیستی کردن جامعه بود، عملاً دوباره به سمت لیبرالیسم و اقتصاد آزاد حرکت کرد. (Tartter, 1987: p53) اما اسما نام حزب تا پایان حکومت بورقیبه در سال ۱۹۸۷ که حزب حاکم بود با همان نام خطاب می‌شد. مرام اصلی این حزب ناسیونالیسم تونس بود که کنار آن از سوسیالیسم و سکولاریسم هم در اجرای اهداف بهره برده می‌شد. البته در سال ۱۹۷۸ از درون این حزب شاخه‌ای منشعب شد که به مرام سوسیالیستی پایبند بودند و برای خود حزب سوسیال دمکرات تاسیس کردند اما عملاً هیچ نقشی در تصمیم‌گیری نداشتند.

حزب مجمع دستور دمکراتیک² این حزب نیز بر همان منش احزاب قبلی بر «علمانیت» بسیار تاکید داشت. در واقع در سال ۱۹۸۷م. زمانی که بن‌علی قدرت را از بورقیبه گرفت همان تشکیلات حزب حاکم قبلی را با نام جدیدی بازسازی کرد و دست به اصلاحات اقتصادی زد. اما در عمل همان روش‌ها را در پیش گرفت. البته در زمان بن‌علی گرایش به غرب بسیار پررنگ بود و اقتدارگرایی حزبی نمود بسیاری داشت. (<https://global.britannica.com>) در ایدئولوژی این حزب نیز علاوه بر علمانیت بر اقتدارگرایی و بورقیبیسم نیز تاکید داشت. این حزب نیز تا زمان برکناری بن‌علی در سال ۲۰۱۱ حزب حاکم تونس بود. (<http://www.aljazeera.com>) وجه مشترک تمام احزاب حاکمی که تا کنون نام بردیم تاکید بر علمانیت بود و تقریباً تمام این احزاب گرایش‌های اسلامی را به حاشیه بردند از دهه ۱۹۷۰م گرایش‌های اسلامی با محوریت حزب النهضه در تونس وجود داشت اما

1. Socialist Destourian Party

2. Democratic Constitutional Assembly

امکان هیچ فعالیت سیاسی به آنها داد نمی شد. اما بعد از تحولات و انقلاب مردمی که در سال ۲۰۱۱م صورت گرفت و معروف به انقلاب نان و کرامت بود. حزب اسلامگرای النهضه توانست دست بالا را در حکومت جدید تونس به عهده بگیرد.

اما عدم توانایی این حزب در حل مشکلات معیشتی موجب اعتراضات متعددی در جامعه تونس شد. در سال ۲۰۱۳، افراطی های سلفی با چندین حمله و ترور سیاسی دوره ای از بی ثباتی و اعتراض را به راه انداختند. به دنبال سیاه نمایی چهره ی النهضه با طرح اتهام دروغین همکاری اش در این جنایات، شماری از نمایندگان پارلمان مشارکت شان در نگارش پیش نویس قانون اساسی را معلق کردند. دولت تحت رهبری النهضه، به منظور اثبات حقانیت اش، داوطلبانه از قدرت کناره گرفت. در انتخابات ۲۰۱۴ نیز النهضه موقرانه شکست اش از حزب ندای تونس، حزب راست میانه ی بنانهاده شده در ۲۰۱۲، را - حتی قبل از اعلام رسمی نتایج - پذیرفت. (<https://www.foreignaffairs.com>) بدین ترتیب احزاب علمانی دوباره بر قدرت در تونس نقش آفرینی کردند. در ادامه به بررسی علمانیت در دوران جدید در تونس با محوریت حزب ندای تونس می پردازیم.

۲. علمانیت از تحولات سال ۲۰۱۱م در تونس تاکنون

۱-۲. رقابت میان جریانات مختلف: سکولار لیبرال، چپگرا و اسلامگرا

تحولات سیاسی تونس، پس از فرار بن علی، حاکی از تأثیرگذاری طیف های متنوعی از ساختارها و گروه ها و بازیگران داخلی و خارجی است. در حالی که، احزاب مختلف داخلی، در پی دگرگونی جدی و متحول ساختن شرایط این کشور می باشند. بازیگران خارجی و به خصوص غرب نیز در پی مدیریت تحولات و کنترل روندهای درونی تونس هستند. در هفت سال اخیر سه اتفاق مهم رخ داده که ما را برای شناخت مناسبات قدرت در تونس کمک می کند. انتخابات مجلس مؤسسان تونس، انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات مجلس قانون گذاری.

انتخابات مجلس مؤسسان تونس دارای اهمیت بود چرا که هم قانون اساسی آینده و هم نوع حکومت و مناسبات قدرت در این کشور را تعیین می کرد. نظام انتخاباتی مجلس مؤسسان در تونس، نظام انتخاباتی نسبی، استانی و فهرستی^۱ بود. طراحی و بکارگیری این نوع نظام انتخاباتی،

۱. در نظام های انتخاباتی نسبی، برخلاف نظام های اکثریتی که به موجب آن حائزین نصف به علاوه یک، همه کرسی ها را به خود اختصاص می دهند، هر حزب یا گروهی به تناسب آرای خود می تواند صاحب کرسی نمایندگی باشد. به این ترتیب نظام تناسبی، بر ارائه فهرست از طرف احزاب مبتنی است و انتخابات تنها در یک مرحله انجام می شود. در این نظام ها برخلاف نظام های اکثریتی، هر حزب یا جناحی می تواند در عین مغلوب شدن در صحنه انتخابات، صاحب کرسی نمایندگی شود. در این نظام ها باید کرسی ها را بین نامزدها تقسیم کرد. تقسیم کرسی ها میان احزاب، گاه به شیوه های بسیار پیچیده ای صورت می پذیرد و دولت های ائتلافی شکننده ای شکل می گیرد.

به دلایل مختلفی صورت گرفت که مهم‌ترین آن ممانعت از تسلط جریان اسلامی و پیروزی تمام عیار آن با توجه به برتری در نظرسنجی‌ها بود. شورای تحقق انقلاب تونس که اکثریت اعضای آن از جریانات چپ تونس و سوسیالیست‌ها و مارکسیست‌ها بود و جریان اسلامی در آن در اقلیت قرار داشت، دلایل طراحی نظام انتخاباتی نسبی را انعکاس طیف متنوع جامعه اعلام کرد. بر مبنای نتایج مجلس مؤسسان تونس، ۲۱۷ کرسی مجلس مؤسسان بین استان‌های مختلف توزیع شد و در استان‌ها نیز افراد به لیست‌های احزاب رأی می‌دادند و ۱۴۰ لیست انتخاباتی وجود داشت. بعد از اعلام نتایج، ۹۱ کرسی به حزب النهضة به عنوان حزب پیش‌تاز تعلق گرفت که ۴۰ درصد کرسی‌ها را شامل می‌شد. حزب دوم پیروز، حزب «کنگره برای جمهوری» حزبی راست علمانی بود که ۳۰ کرسی را کسب کرد و حزب سوم یعنی ائتلاف کار و آزادی، به عنوان حزبی سوسیال دموکرات که ۲۱ کرسی را به دست آورد. (<http://www.csr.ir/fa/news/258>)

در این انتخابات، حزب مسلطی در مجلس ایجاد نشد و النهضة مجبور به ائتلاف با سایر احزاب پیروز شد. به گونه‌ای که مصطفی بن جعفر، دبیر کل انجمن دموکراتیک کار و آزادی به عنوان رئیس پارلمان انتخاب شد، منصف مرزوقی رئیس حزب کنگره^۱ برای جمهوری به عنوان رئیس جمهوری انتخاب شد و نخست‌وزیری هم به حزب النهضة رسید. (<http://www.asriran.com>) به تدریج جریانات چپ و ملی‌گرای قومی نقش بیشتری در مناسبات قدرت در تونس بازی کردند. به طوری که در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس قانون‌گذاری سال ۲۰۱۴ حزب نداء که حزبی علمانی لیبرال بود قدرت بیشتری به دست آورد.

دلایل عدم موفقیت جریان اسلام‌گرا مواجهه آن با چالش‌های مختلف بود. اولین چالش، لزوم ائتلاف النهضة با احزاب پیروز بعدی برای تشکیل دولت بود که جریانات علمانی محسوب می‌شدند. با توجه به نگاه راشد الغنوشی به ایده دولت اسلامی با ویژگی‌های خاص خود، می‌توان تعارضات و اختلافات گروه‌های پیروز در تعاملات سیاسی را انتظار داشت. چالش دوم، مشکلات جمع بین تغییرخواهان و محافظه‌کاران ساختارهای حاکمیتی بود؛ از آنجایی که ساختارهای حاکمیتی فرو نپاشیده، ارتش و نیروهای امنیتی به شکل سابق وجود داشتند و از سوی دیگر بدنه

۱. از جمله مطالبات اصلی این حزب تاسیس حکومت جمهوری واقعی در تونس، تامین آزادی بیان و آزادی احزاب انجمن‌ها و نیز برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه با نظارت و تضمین بین‌المللی بود. شعارهایشان عمدتاً مبتنی بر مردم‌سالاری، احترام به خواست عمومی، حکومت قانون و مخالفت با استبداد فردی و گروهی است. در برنامه‌های این حزب طرفداری از تامین و دفاع از آزادی‌های فردی، برابری جنسیتی، دفاع از حقوق زنان و اقلیت‌های مذهبی و همچنین تاکید بر پیشرفت و توسعه تکنولوژیک و اقتصادی تونس جایگاه ویژه‌ای دارد. از نظر روابط خارجی، کنگره برای جمهوری طرفدار وحدت عرب‌های مسلمان منطقه در قالب کشورهای دموکراتیک و نیز ارتباط دوطرفه و دوستانه با کشورهای غربی است. مسوولین این حزب همانطور که در بیانیه تشکیل آن آمده است از تاسیس دولت مستقل فلسطین دفاع کرده‌اند.

جامعه و جوانان، خواستار تغییر بودند. این تعارض تبدیل به چالش‌هایی جدی شد. چالش سوم، به مهار نیروهای چپ در عرصه سیاسی تونس مربوط می‌شود. نیروهای چپ به رغم عدم موفقیت در انتخابات از قدرت حزبی، تبلیغاتی، نخبگی و ایدئولوژی بالایی برخوردار بودند و می‌توانستند با نقش‌آفرینی خود، چالش‌هایی را برای جریان حاکم به وجود آورند. چالش چهارم اینکه النهضه در فضای سیاسی جدید نتوانست واکنش مناسبی در عرصه سیاست خارجی لحاظ کند و در نهایت مهمترین مشکل، ناتوانی در حل مسائل اقتصادی بود. به هر حال انقلاب تونس که به انقلاب نان و کرامت معروف شد، بخش عظیمی از مطالبات مردم مسائل معیشتی بود. اما در دوران حاکمیت جریان اسلامی وضعیت معیشتی مردم بهبود نیافت. حزب النهضه در اجرای برنامه‌های اقتصادی خود از جمله برنامه «آمال» برای جوانان بیکار ناکام ماند. این برنامه مقرری ماهیانه‌ای برای افراد جویای کار همراه با خدمات درمانی به مدت یکسال برقرار می‌کرد. اما در عمل کسری بودجه از ۳/۷ درصد تولید ناخالص داخلی به ۲۰ درصد رسید. بازگشت چهل هزار کارگر تونسی از لیبی نرخ بیکاری میان جوانان را تا ۴۲ درصد بالا برد. اقدامات بانک مرکزی نیز برای ذخایر بانک‌ها از جمله دادن وام، تورم را در ۲۰۱۲م به ۵ تا ۶ درصد رساند. (Maria, 2011: pp16)

این عوامل باعث شد که دست بالا را در تونس در انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴ از جریان اسلامی به جریان‌های علمانی راست‌گرا و چپ‌گرا منتقل بشود. در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۴ تونس، چهار حزب سیاسی اصلی با یکدیگر رقابت فشرده‌ای را انجام دادند که شامل حزب نداء تونس، جنبش النهضه، اتحادیه ملی آزاد و جبهه ائتلافی چپ‌گرای خلق بودند. حزب النداء توانست با کسب ۸۶ کرسی، جنبش النهضه را پشت سر بگذارد که تنها توانست ۶۹ کرسی کسب کند و اکثریت را از دست داد، اتحادیه ملی آزاد هم ۱۶ کرسی به خود اختصاص داد و ۱۵ کرسی هم به جبهه ائتلافی چپ‌گرای خلق رسید. (<https://www.tasnimnews.com>)

در سال ۲۰۱۷ در تونس رئیس‌جمهور السبسی، نخست‌وزیر یوسف شاهد و رئیس مجلس محمد ناصر از حزب النداء بودند. ندای تونس ائتلافی گسترده بود که با هدف شکست دادن حزب النهضه شکل گرفت. ایدئولوژی این حزب ترکیبی است از بورقیسیسم، سوسیال‌دموکراسی و سکولاریسم. باجی السبسی موسس حزب ندای تونس آشکارا از بورقیسیسم که نمونه کمالیسم ترکیه‌ای در تونس است و بر ارزش‌های ملی و سکولاریسم تأکید دارد، حمایت می‌کند. (<https://www.cfr.org>) در انتخابات سال ۲۰۱۹ نیز اگرچه النهضه دوباره قدرت را در دست گرفت، و اگر چه قیس سعید به عنوان شخصیتی مستقل رئیس‌جمهور این کشور شد، اما همان ساختار قبلی در اداره کشور ادامه دارد. آنچه که اکنون در تونس رخ می‌دهد بیشتر نوعی «بورقیه‌گرایی» است، چرا که سابقه بیشتر سیاستمداران روی کار آمده به دوران ریاست جمهوری بورقیه بر

می‌گردد. السبسی به طور موفقیت آمیزی چهره یک رهبر دموکرات را از بورقیبه در ذهن مردم تونس ترسیم کرد و توانست در انتخابات پیروز شود (<https://www.foreignaffairs.com>) بورقیبه علیرغم داشتن حکومت استبدادی، به واسطه اینکه به مثابه پدر استقلال تونس شناخته می‌شود، چهره‌های محبوب در نزد مردم تونس است و سبسی از این چهره بارها در سخنرانی‌های خود برای جلب نظر مردم استفاده کرد و تا حدودی در این زمینه موفق شد. (<https://www.economist.com>)

بدین ترتیب می‌توان به این نتیجه رسید که در دوران جدید سیاست و حکومت در تونس رقابت میان سه جریان، علمانی لیبرال و چپگرا و اسلامگرا وجود دارد. در ابتدای انقلاب جریان اسلام‌گرا به واسطه اینکه نزدیکترین جریان به خواست اکثریت مردم بود، دست بالا را در رقابتهای سیاسی داشت. اما به دلیل تبلیغات منفی که علیه اسلام‌گراها صورت گرفت، وجود بدنه سکولار و ملی‌گرا در ساختار دولت از قبل و وخامت اوضاع معیشتی مردم، زمینه رشد جریان‌های علمانی لیبرال و چپگرایان فراهم شد و این دو جریان توانستند در انتخابات سال ۲۰۱۴م در هر دو انتخابات ریاست جمهوری و مجلس قانون‌گذاری به پیروزی برسند. در زیر تعدادی از احزاب پیروز در انتخابات ۲۰۱۴ تونس را به نمایش می‌گذاریم.

احزاب و میزان رای در انتخابات مجلس نمایندگان تونس در سال ۲۰۱۴م

اعضاء	درصد	مرام حزبی	احزاب
86	39,6%	سکولار، لیبرال اقتصادی، ملی‌گرایی تونس، بورقیبیسیم	نداء
69	31,7%	دموکراسی اسلامی، لیبرالیسم اقتصادی	النهضة
16	7,3%	لیبرالیسم، ملی‌گرایی	اتحاد وطنی ازاد
15	6,9%	کمونیسم، چپ‌گرا، ملی‌گرای عربی - تونسی	جبهه مردمی
8	3,7%	لیبرالیسم، راست‌گرا	آفاق تونس
4	1,8%	سوسیال دموکرات، ملی‌گرای چپ، سکولار	کنگره برای جمهوری
3	1,3%	لیبرال دموکراسی، ملی‌گرا	ابتکار
3	1,3%	دموکراسی اجتماعی	حزب دموکرات
3	1,3%	ملی‌گرای قومی	جنبش مردم
2	0,9%	چپ مردم‌گرا	جریان عشق
1	0,4%	ملی‌گرای میانه	حزب جمهوری
			و...

البته از ژانویه ۲۰۱۶ برخی از نمایندگان از ائتلاف با حزب نداء خارج شدند و عملاً اعضای وابسته به این حزب در حال حاضر در پارلمان این کشور ۶۷ نفر می‌باشد و همچنین احزاب جدیدی در درون پارلمان در همین سال شکل گرفت. حزب مشروع^۱ که در مارس ۲۰۱۶ تشکیل شد و با ۲۵ نماینده عملاً تبدیل به حزب سوم پارلمان شد. این حزب به رهبری محسن مرزوق از ایدئولوژی علمانی راست لیبرال پیروی می‌کند. (<https://majles.marsad.tn>)

در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۹، اگرچه النهضه بیشترین کرسیها را به دست آورد، اما احزاب دیگر که عموماً گرایش ناسیونالیستی و سکولار دارند، اکثریت پارلمان کنونی را در دست دارند، و به نوعی همان مسیر قبلی طی می‌شود.

احزاب و میزان رای در انتخابات مجلس نمایندگان تونس در سال ۲۰۱۹م

اعضاء	مرام حزبی	احزاب
52	دموکراسی اسلامی، لیبرالیسم اقتصادی	النهضه
38	بورقیبه‌گرایی، ملی‌گرایی	قلب تونس
22	سوسیال دموکراسی، ملی‌گرایی	جبهه دموکراتیک
21	اسلام‌گرایی، مردم‌گرایی	ائتلاف کرامت
17	ملی‌گرای تونس، سکولاریسم	حزب دستوری آزاد
15	سکولاریسم، پان‌عربیسم	جنبش مردم
14	بورقیبیسیم، لیبرالیسم	احیای تونس
		و... ²

چنان‌که ملاحظه می‌شود نیروهای علمانی راست‌گرا و چپ‌گرا در تونس قدرت را در دست دارند و حتی حزب النهضه که نماینده جریان اسلام‌گراست، طی بیانیه رسمی که از سوی راشد الغنوشی انتشار یافت. سکولاریسم را پذیرفته و میان مسجد و دولت تمایز گذاشت و اعلام داشت حضورش در سیاست نه برای تحقق یک حکومت اسلامی بلکه برای احترام به قوانین اسلامی است. (<http://problematicaa.com>)

راشد الغنوشی در این باره می‌گوید: «تحوّل النهضه نتیجه‌ی ۳۵ سال خودسنجی مداوم و بیش از دو سال درون‌نگری ژرف و بحث بر سر ریشه‌ها است. در کنگره‌ی حزب، بیش از ۸۰ درصد اعضا

۱. دارای مرام ملی‌گرای تونس، سکولاریسم و لیبرالیسم می‌باشد.

2. <http://www.isie.tn/>

رای به حمایت از این چرخش رسمی دادند. در دوره‌ی پسانقلابی تونس، وقتی تنش‌ها بالا گرفت و ساختارهای دموکراتیک شکننده‌ی کشور به‌مخاطره افتاد، النهضه پا پیش گذاشت تا به‌جای انتقام‌جویی و قبضه‌ی قدرت راه را برای سازش و آشتی باز کند. در اثنای مذاکرات بر سر قانون اساسی جدید، نمایندگان پارلمانی النهضه امتیازهای بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای دادند، با یک نظام ریاست جمهوری - پارلمانی مرکب موافقت کردند (النهضه در ابتدای امر خواستار نظامی صرفاً پارلمانی بود) و پذیرفتند که قانون اساسی جدید شریعت را به‌منزله‌ی یکی از منابع قانون‌گذاری اعلام نکند. به‌سبب تمایل النهضه به مصالحه و کار در درون این نظام، قانون اساسی جدید سازوکارهای دموکراتیک، حاکمیت قانون و طیف کاملی از حقوق مذهبی، مدنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی را ارج نهاد. هدف ما جداسازی حوزه‌های سیاسی و مذهبی است. ما معتقدیم که حزب سیاسی نمی‌تواند و نباید مدعی بازنمایی مذهب باشد و قلمروی مذهبی را باید نهادهای مستقل و بی‌طرف مدیریت کنند. به‌تعبیر ساده، مذهب باید بی‌طرف باشد. ما خواستار آنیم که مسجدهای فضایی برای گردهمایی مردم باشد و نه پایگاهی تفرقه‌انداز. پیشوایان [امامان] مساجد نباید منصبی در احزاب سیاسی داشته باشند و باید همچون متخصص در رشته‌شان آموزش ببینند تا مهارت‌ها و اعتبار لازم یک پیشوای مذهبی را به‌دست آورند؛ فعلاً فقط ۷ درصد از پیشوایان تونس چنین آموزشی را از سر گذرانده‌اند» (<https://www.foreignaffairs.com>)

بدین ترتیب در هندسه جدید قدرت در تونس علمانیت نقش برجسته و برتری دارد و تنها تفاوت میان شاخه‌های مختلف علمانی است نه تنش میان اسلام‌گراها و علمانی‌ها. نمونه برتری فکری علمانی‌ها در تونس را می‌توان در قانون اساسی جدید این کشور دید که بسیار سکولارتر از قانون اساسی قبلی این کشور است.

۲-۲. قانون اساسی جدید تونس

پس از تحولات انقلابی در تونس، ضرورت تغییر در قانون اساسی این کشور دیده می‌شد. لذا پس از بحث‌های مختلف قانون اساسی جدید تونس بیست و ششم ژانویه سال ۲۰۱۴ میلادی در ۱۴۹ فصل و در ۱۰ باب از جمله اصول کلی، حقوق و آزادی‌ها، قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضائیه، نهادهای قانونی مستقل (شامل شورای انتخابات، شورای ارتباطات سمعی بصری، شورای حقوق بشر، شورای توسعه پایدار و حقوق نسل‌های آینده، شورای حاکمیتی و مبارزه با فساد)، تعدیل قانون اساسی، احکام پایانی و احکام انتقالی تدوین شد. (<https://www.tasnimnews.com>) نکته‌ی قابل ذکر این است که قانون اساسی جدید تونس، دومین قانون اساسی این کشور از زمان استقلال از فرانسه است. اولین قانون اساسی تونس در ژوئن ۱۹۵۶ و پس از استقلال این کشور از

فرانسه تدوین شد، اما پس از انقلاب سال ۲۰۱۱ تونس کنار گذاشته شد به واسطه برتری تفکرات علمانی در این کشور، قانون اساسی جدید تونس، بسیار علمانی‌تر از قبل است. بر اساس این قانون، شکل حکومت این کشور، جمهوری است و جریان اسلام‌گرا اجازه ندارند شریعت اسلامی را به عنوان منبع قانون‌گذاری معرفی کند. به عبارت دیگر، تونس اولین کشور عربی است که با وجود اکثریت اسلام‌گرایان در مجمع ملی مؤسسان، شریعت اسلام را به عنوان مبنای قانون‌گذاری در قانون اساسی قرار نداده است و تنها دولت موظف شد از شریعت اسلام پاسداری کند و نسبت به حفاظت از مقدسات کوشا باشد.

یکی دیگر از مهم‌ترین فصول قانون اساسی تونس، که نشان از برتری تفکر علمانیت بر آن دارد، مربوط به «تکفیر» است. مجمع ملی مؤسسان تونس فصلی از قانون اساسی را تصویب کرد که به موجب آن، «تشویق به خشونت و نیز حکم به تکفیر» را جرم تلقی می‌کند. از مجموع ۱۸۲ نماینده‌ی حاضر در پارلمان تونس، ۱۳۱ نماینده به این بند قانون اساسی رأی مثبت دادند و ۲۳ نفر نیز مخالفت خود را با آن اعلام کردند و ۲۸ نفر دیگر نیز رأی ممتنع دادند. این اقدام پس از آن انجام گرفت که منجی الرحوی، نماینده‌ی مخالف جبهه‌ی مردمی، توسط شیخ احمد اللوز، نماینده‌ی جنبش نهضت اسلامی، به کفر و دشمنی با اسلام متهم و فتوای قتل او صادر شد. تصویب منع تکفیر سبب اعتراض برخی شخصیت‌ها و گروه‌های اسلامی تونس شده است؛ زیرا معتقدند این اقدام موجب ایجاد تلاش‌های ضد اسلام در این کشور می‌شود. (Asam, 2014: 12)

تاکید بر آزادی لیبرال در باب اول از فصل ۱۸ نمونه دیگری از این مسئله است. در این فصل بر حقوق مدنی و آزادی‌های اساسی با مضمون حمایت از حقوق بشر و شهروندان بدون توجه به بن مایه‌های تفکر دینی تاکید دارد. (<https://www.khabaronline.ir>)

در پیش نویس قانون اساسی جدید تونس النهضه در ابتدا به نقش «مکمل» زنان در مناسبات سیاسی و اجتماعی تاکید داشت. این امر منجر به ایجاد جنجال‌های فراوان رسانه‌ای و سیاسی و عامل عقب‌نشینی این حزب در نسخه جدید قانون اساسی شد و در متن نهایی قانون اساسی جدید، طبق ماده ۲۰ «شهروندان زن و مرد حقوق و مسئولیت‌های یکسان داشته و بدون هیچ تبعیضی در برابر قانون یکسانند» همچنین، ماده ۴۹ قانون اساسی حمایت از حقوق زنان را بر دولت الزامی نموده است. (<https://www.huffingtonpost.com>)

بدین ترتیب قانون اساسی تونس به طور خاص تضمین جدایی دین از سیاست را ارائه داده است. به این ترتیب که این قانون نه تنها مجوز آزادی مذهب که «آزادی مذهب نداشتن» - بنا به توصیف نماینده حقوق بشر سازمان ملل امان گلیله - (<http://mehrkhane.com>) را صادر کرده است.

۳. جمع‌بندی: مواجهه علمانی‌ها با آرمان‌های مقاومت

چنانکه تشریح شد در تونس، تفکر علمانی نقش پررنگی در مناسبات سیاسی دارند. از زمان به قدرت رسیدن حبيب بورقیبه در سال ۱۹۵۶ در تونس، او به شدت سیاست‌های ضددینی را دنبال کرد و محدودیت‌های سنی درباره ورود افراد به مساجد و ممنوعیت حجاب و عدم به کارگیری نمادهای دینی را نهادینه و قانونمند ساخت. این مقررات در دوره زین‌العابدین بن علی با همان شدت پیگیری شد.

اگر حزب النهضه استحصال یافته را که به طور سنتی جریان اسلام‌گرا شناخته می‌شود، جریانی پاینده به علمانیت ندانیم. جبهه علمانی‌ها در تونس به چهار جریان تقسیم می‌شود؛ یکی جریان راست که شامل طیف‌های لیبرال و فرانکفون می‌شوند. دوم جریان چپ که از مائوئیستی تا چپ موسکویی و چپ‌چینی را در بر می‌گیرد. سوم ملی‌گرایی که شامل ملی‌گرایی وطنی و محلی می‌شود. چهارم عربیت که دارای دو زیر شاخه ناصریستی و بعثی است. درون جریان راست هم طرفداران آمریکا و انگلیس وجود دارند که بن علی نمود عینی آن بود و هم طرفداران فرانسه که به فرانکفون‌ها معروفند. این جریان در حال حاضر در تونس دست بالا را دارد. برخی از احزاب کنونی تونس از جمله تجمع دموکراتیک برای کار و آزادی به ریاست مصطفی بن جعفر و حزب ندای تونس به ریاست السبسی رئیس‌جمهور فعلی تونس در این دسته قرار دارند. جریان چپ مانند اتحادیه عمومی کار که در برگیرنده بیش از ۶۰۰ سندیکای کارگری و صنفی، جبهه الشعبیه و کنگره برای جمهوری و... در حال حاضر پس از جریان لیبرال و سکولارهای اسلامی، جریان سوم در تونس محسوب می‌شود. جریان «ملی‌گرای وطنی» مانند جنبش مردمی و حزب جمهوری و جریان «پان‌عرب» مانند حرکت الیوسفیه، حرکت البعث، حرکت تجمع القومی عربی و... از قدرت کمتری نسبت به جریانات دیگر برخوردارند.

حال با توجه به شرایط موجود در تونس این سوال مطرح می‌شود که علمانی‌ها در تونس نسبت به آرمان مقاومت یعنی مسئله فلسطین، مبارزه با استکبار و حمایت از مظلومان چه موضعی دارند. برای پاسخ به این سوال، باید در ابتدا به رصد واکنش‌های حاکمان سکولار تونس نسبت به این مسائل پرداخت.

تفکرات علمانی از آن رو که بر مسائل این دنیایی و معیشتی مردم خود تمرکز دارند، به رابطه مسالمت آمیز با اسرائیل و امریکا برای کسب سود مادی بیشتر توجه دارند، اما در عین حال نمی‌توان یک حکم کلی نسبت به شاخه‌های مختلف علمانی ارائه داد. به نظر می‌رسد جریانهای چپ علمانی در مخالفت با غرب و اسرائیل و حمایت از مسئله فلسطین نسبت به علمانی‌های لیبرال عزم بیشتری دارند. که نمونه تفاوت آن را می‌توان در دوره بورقیبه و بن علی مشاهده کرد. در

دوره بورقیبه دولت تونس حامی فلسطینی‌ها بود و از حضور مهاجرین فلسطینی در تونس حمایت می‌کرد. تونس در سال ۱۹۷۳ در ائتلاف اعرابی بود که خواهان بازگشت اسرائیل به قلمرو ۱۹۶۷ بودند که اقدامی ناموفق بود. از اواخر دهه ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰. تونس میزبان مقرر جنبش آزادی بخش فلسطین پس از خروج این جنبش از فلسطین بود و گرایش به حمایت از قضیه فلسطین به تدریج بیشتر شد. اما دولت بن علی که نمونه‌ای از علمانی‌های لیبرال است روابط دیپلماتیک خود با اسرائیل را از سال ۱۹۹۴ شروع کرد و دو سال بعد دفاتر نمایندگی دو طرف افتتاح شد. همچنین در دوره او روابط صمیمانه‌ای با آمریکا و متحدان آن برقرار شد. در دوره بن علی روابط تونس با جنبش حماس به دلیل ترس از تشدید و رشد جریان‌های افراط‌گرای اسلامی در این کشور، همچنین مانع از تحقق راه‌حل نهایی بحران اسرائیل - فلسطین که همان تشکیل دو دولت و تقویت مواضع ایران در تونس و ضربه دیدن روابط تونس با عربستان در حالت متناقض‌نمایی قرار داشت. در سال ۲۰۰۵ آریل شارون نخست وزیر منفور اسرائیل به دعوت بن علی به تونس سفر کرد و این موجب اعتراضات شدیدی از سوی مردم به این سفر شد. برای مردم تونس دعوت شارون به عنوان یک جنایتکار جنگی از نظر افکار عمومی این کشور تصمیمی غیردموکراتیک و غیرخودخواهانه از سوی رژیم بن علی تلقی می‌شد. به هر حال تا قبل از انقلاب، بن علی خواهان عادی سازی روابط با اسرائیل بود تا فشارهای آمریکا علیه ساختارهای حکومتی خود را کاهش دهد.

علمانی‌های ملی‌گرا که اکنون در تونس دست بالا را در قدرت دارند. نسبت به علمانی‌های لیبرال از موضع فلسطین و مقاومت حمایت می‌کنند. نمونه آن را در حمایت دولت فعلی از حزب الله می‌تواند دید. در سال ۲۰۱۶ دولت تونس اعلام کرد که دیدگاه کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس درباره حزب الله به عنوان یک گروه تروریستی را نمی‌پذیرد. حتی وزیر خارجه تونس اعلام کرد مواضع اجلاس وزیران داخلی اتحادیه عرب در باره حزب الله به عنوان گروهی آشوب طلب را نمی‌پذیرد و آن را الزام آور نمی‌داند. سبسی رئیس جمهوری تونس نیز از مواضع اعراب حاشیه خلیج فارس ضد حزب الله انتقاد کرد. حتی وی از وزیر خارجه خود خواست اشتباه وزیر داخلی در رای به ضرر حزب الله در اجلاس سران عرب را اصلاح کند. اما با این وجود با توجه به اینکه تفکرات علمانی به دنبال کسب سود مادی هستند سعی دارند روابط مسالمت‌آمیزی با استکبار جهانی یعنی آمریکا داشته باشند. برای نمونه در سفر سال ۲۰۱۷ یوسف الشاهد نخست وزیر تونس به واشنگتن، خواهان افزایش کمک‌های آمریکا به شمال آفریقا و کشورش شد که در مقابل این درخواست با خواسته آمریکا مبنی بر عدم حمایت از حماس و حمایت از اسرائیل مواجه شد. لابی آپیک نیز اعلام کرده بود اگر تونس خواهان تداوم این کمک‌ها است باید از قاعده بازی پیروی کند و نقشی را بازی کند که تونس در دوران بن علی داشت و آن عادی سازی روابط

با اسرائیل و کاهش روابط با گروه‌های فلسطینی به ویژه حماس است. نمونه دیگر از این نگاه علمانی‌ها ملی‌گرا را می‌تواند در تلاش تبلیغاتی مرزوقی رئیس‌جمهور پیشین این کشور دید. در سال ۲۰۱۴ رئیس‌جمهور موقت تونس، منصف مرزوقی با هیاتی از سران حماس به ریاست اسماعیل رضوان دیدار کرد. در این سفر رئیس‌جمهوری تونس قول کمک‌های بشردوستانه بیشتر به غزه را داد. در این سال دولت تونس دو محموله کمک‌های دارویی به نوار غزه ارسال کرد. حتی در سال ۲۰۱۵ منصف مرزوقی که سمت ریاست‌جمهوری را نداشت در قالب «ناوگان آزادی ۳» برای کمک به غزه عازم این منطقه شده بود که این ناوگان توسط اسرائیل متوقف شد.

در همین سال تونس در مجمع عمومی سازمان ملل از شناسایی و عضویت دولت فلسطینی در این سازمان حمایت کرد. همچنین در سال ۲۰۱۶ در اجلاس وزاری خارجه اتحادیه عرب در قاهره، وزیر خارجه این کشور، خمیس جهیناوی بر این دیدگاه تاکید کرد که تونس حامی خواسته‌های مشروع ملت فلسطین همواره بوده است. در سال ۲۰۱۷ رئیس‌جمهوری تونس در دیدار با محمود عباس اعلام کرد کشورش از هیچ تلاشی در جهت حمایت از آرمان فلسطین و پیشبرد راه حل کشور مستقل فلسطینی فروگذار نخواهد کرد و هرگونه عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی را منتفی دانست.

تمام این شواهد تاریخی، ما را به این نتیجه می‌رساند که علمانی‌ها در تونس در برخی حوزه‌ها همسویی‌هایی با آرمان‌های مقاومت دارند. از میان چهار شاخه مطرح علمانی در هندسه قدرت در تونس علمانی‌های لیبرال بیشترین فاصله را با آرمان‌های مقاومت دارند اما علمانی‌های چپ، ملی‌گرا و پان عرب همسویی‌هایی در مسئله فلسطین و حمایت از مردم فلسطین دارند. در تحلیل نهایی این مسئله را بر روی یک نمودار نشان می‌دهیم.

حمایت چپ

علمانی‌های لیبرال/فروتن‌گون

نزدیکی

دوری

علمانی‌های وطنی

علمانی‌های پان‌عرب

چنانکه تشریح شد در میان طیف‌های مختلف آنچه در خط محور مقاومت قرار دارد، جریان چپ است. جریان چپی که از فلسطین حمایت می‌کند و حامی سوریه نیز هست. این جریان برای جلوگیری از اخراج سفیر سوریه از تونس و حفظ ارتباط با سوریه فشار می‌آورد و از مسئله حزب الله حمایت می‌کند. آنچه امروز در بحث مقاومت در تونس فعال است، مجموعه چپ است. لیبرال‌ها عملاً از مخالفین هستند جدا از النهضه که دارای ارتباط سنتی با ایران بود، جریان چپ مجموعه‌ای

است که بیشترین ارتباط را با مقاومت در موضوع مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم دارد. پس از آن جریان ملی‌گرای وطنی و پان عرب هم در بحث مبارزه با استکبار، مبارزه با امپریالیسم و در مبارزه با اشغالگری کشورهای عربی دارای اشتراکاتی با مقاومت هستند؛ از این زاویه می‌توانیم همکاری‌هایی را با جریان قومی تعریف کنیم. هر چند، انگیزه این سه دسته از علمانی‌ها هم در حمایت از فلسطین و هم در حمایت از نظام سوریه با مقاومت متفاوت است، اما اشتراک در اهداف می‌تواند آنها را با مقاومت همراه کند.

منابع و مأخذ

- برگر، پیتر (۱۹۷۱) *الدين في الضمير الحديث*، باريس.
- تأکید علی موقف تونس الثابت في دعم القضية الفلسطينية، (۲۰۱۶). لینک دسترسی:

<http://www.alchourouk.com/180481/151/1>

- Alexander, Christopher (2010). *Tunisia: Stability and Reform in the Modern Maghreb*. Routledge.
- Benjamin Rivlin, *The Tunisian Nationalist Movement: Four Decades of Evolution*, Middle East Journal
- Brace, Morocco, (1964) *Algeria, Tunisia*, Prentice-Hall.
- Brace, (1964) *Morocco Algeria Tunisia*, Prentice Hall.
- Brown, L. Carl (2001). "Bourguiba and Bourguibism Revisited: Reflections and Interpretation". *Middle East Journal*.
- Chen Tianshe (2010). "Support or Hostility: the Relationship between Arab Countries and Hamas", *Journal of Middle Eastern and Islamic Studies* Vol. 4, No. 2.
- ean R. Tartert, (1987) "Government and Politics", in *Tunisia. A Country Study*, Washington.
- Elhanan, Miller (2015). "Ex-Tunisian president to board Gaza blockade-busting boat", <https://www.timesofisrael.com/ex-tunisian-president-to-board-gaza-blockade-busting-boat/>.
- Ghribi, Asam (9 January 2014), *The Problem with Tunisia's New Constitution*: http://transitions.foreignpolicy.com/posts/2014/01/09/the_problem_with_tunisiass_new_constiution
- http://articles.latimes.com/1987-11-07/news/mn-4869_1_ben-ali-prime-minister
- http://articles.latimes.com/1987-11-07/news/mn-4869_1_ben-ali-prime-minister
- <http://mehrkhane.com/fa/news/10034/> خوب - بد - زشت - قانون - اساسی - تونس - برای - زنان
- <http://problematicaa.com/ghanouchi/>
- <http://www.aljazeera.com/news/africa/2011/03/20113985941974579.html>
- <http://www.asriran.com/fa/news/193418>
- <http://www.bashgah.net/fa/content/show/98591> به نقل از کتاب فرهنگ و تمدن اسلامی، نوشته علی اکبر ولایتی
- <http://www.csr.ir/fa/news/258/> انتخابات - و - تحولات - سیاسی - تونس
- <http://www.isie.tn/>
- <http://www.nytimes.com/1985/10/03/world/tunisia-s-leader-bitter-at-the-us.html>
- <http://www.worldhistory.biz/sundries/42909-tunisia-immigration-and-colonization-1881-1950.html>
- <https://global.britannica.com/topic/Democratic-Constitutional-Rally>
- <https://majles.marsad.tn/2014/assemblee>
- <https://www.cfr.org/blog/tunisia-first-impressions>
- <https://www.economist.com/news/middle-east-and-africa/21630798-leading-presidential-candidate-looks-lot-tunisiass-founding-father-shade-bourguiba>
- <https://www.foreignaffairs.com/articles/tunisia/2014-12-23/democracy-necessity>

- <https://www.foreignaffairs.com/articles/tunisia/political-islam-muslim-democracy>
- <https://www.foreignaffairs.com/articles/tunisia/political-islam-muslim-democracy>
- <https://www.globalsecurity.org/military/world/tunisia/french-protectorate-3.htm>
- https://www.huffingtonpost.com/2014/01/07/tunisia-gender-equality_n_4547963.html#slide=2926200
- <https://www.khabaronline.ir/detail/188913/World/africa>
- <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1393/05/25/462394>
- <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1393/10/19/613342>
- <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1393/10/19/613342>

تونس - ۲۰۱۴ - تصویب قانون اساسی - و ۲ - انتخابات مهم - انقلاب - یاسمین - پایدار - می ماند

- Jean R. Tartter, (1987) "Government and Politics" at 234-238, in Tunisia. A Country Study, Washington, D. C..
- Kenneth J. Perkins, (2004) A History of Modern Tunisia, Cambridge University press.
- Kenneth J. Perkins, (2004) A History of Modern Tunisia, Cambridge University 2004.
- Khaled Hroub (2008). "Democracy and the Palestine Issue: A Lesson from Tunisia", <http://carnegieendowment.org/sada/?fa=21553>
- Lisa Anderson, (1986) The State and Social Transformation in Tunisia and Libya, 1830-1980, Princeton University.
- Micaud, Charles A. "Bilingualism in North Africa: Cultural and Sociopolitical Implications." The Western Political Quarterly. March 1974. Volume 27, Issue 1.
- Moncef M. Khaddar, (2001) "Tunisia", in Joel Krieger (ed.), Oxford Companion to Politics of the World.
- Moncef M. Khaddar, (2001) "Tunisia", in Joel Krieger (ed.), Oxford Companion to Politics of the World.
- Paciello, Maria (2011). " Tunisia: changes and Challenges of Political Transition" p16 , <http://www.ceps.eu/book/tunisia-changes-and-challenges-political-transition>
- Palestinian president arrives in Tunis on official visit (2017). http://news.xinhuanet.com/english/2017-07/07/c_136423550.htm
- Stearns, Peter N.; Leonard Langer, William (2001). The Encyclopedia of World History: Ancient, Medieval, and Modern, Chronologically Arranged (6 ed.). Houghton Mifflin Harcourt. pp. 129-131
- Tunisia says won't follow Persian Gulf Cooperation Council on Hezbollah (2016). <http://www.presstv.ir/Detail/2016/03/04/453764/Tunisia-Hezbollah-Persian-Gulf-Cooperation-Council>
- U.S. Senate to Tunisia: If You Want Foreign Aid, Support Israel At The United Nations (2017). <https://robertjprince.net/2017/07/14/washington-pressure-tunisia-on-criticizing-israel/> Vol. 6, No. 2 (Spring, 1952).

